

طراحی الگوی پارادایمی هدفمندی یارانه‌ها در ورزش کشور

محمد رضا کشانی^۱

علی فهیمی نژاد^۲

باقر مرسل^۳



[10.22034/ssys.2022.2235.2601](https://doi.org/10.22034/ssys.2022.2235.2601)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۸

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی پارادایمی هدفمندی یارانه‌ها در ورزش کشور طراحی و اجرا گردید. این مطالعه به روش ترکیبی و از نوع طرح‌های پژوهش آمیخته اکتشافی بود. جامعه آماری بخش کیفی شامل سیاست‌گذاران یارانه در کشور، اعضای مجلس شورای اسلامی، وزارت ورزش و جوانان و اساتید آشنا با مسئله یارانه در ورزش و جامعه آماری در بخش کمی شامل کلیه مدیران باشگاه‌های ورزشی تهران بود. نمونه آماری بخش کیفی ۱۵ نفر و در بخش کمی ۴۶۰ نفر بودند. ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از کدگذاری با رویکرد اشترواس و کوربین در بخش کیفی و از روش معادلات ساختاری در بخش کمی با استفاده از نرم‌افزار PLS استفاده گردید. در بخش کیفی پژوهش مشخص گردید که ۱۱ مقوله و ۶۲ کد مفهومی در دل ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی به‌صورت شرایط علی (۱ مقوله)، مقوله اصلی: هدفمندی یارانه‌ها در ورزش (۱ مقوله)، راهبردها (۱۱ کد)، شرایط زمینه‌ای (۲ مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۱ مقوله) و پیامدها (۴ مقوله) جای گرفتند. در بخش کمی نیز مشخص گردید که هر ۶ مؤلفه اصلی پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. بنابراین مدل پژوهش از برازش کافی برخوردار می‌باشد. با توجه به آنکه مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، اثرات مثبت فراوانی در تمامی زوایا برای عموم مردم دارد، توصیه می‌شود که تدابیر لازم برای هدفمند نمودن یارانه‌ها در ورزش کشور اتخاذ گردد.

واژگان کلیدی: باشگاه ورزشی، مشارکت ورزشی، گراند تئوری و یارانه.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

۲ استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Fahiminejad_a@yahoo.com

۳ استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

مقدمه

ورزش و فعالیت بدنی از جمله مشارکت ورزشی، یک جزء مهم از شیوه زندگی سالم می‌باشد (جانسن و لیبلانس^۱، ۲۰۱۰: ۱). این عمل فراتر از تأثیرات جسمانی سبب پیامدهای اجتماعی و روانی مثبت در میان افراد می‌گردد (بدارد^۲ و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۵). پیوند افراد با فعالیت بدنی و ورزش آثار مثبتی بر آمادگی جسمانی، رفاه و سلامتی (لی و سیگریست^۳، ۲۰۱۲: ۳۹۴) دارد. با این تفاسیر، تعجب‌آور نیست که سیاست‌های کشورهای پیشرفته و توسعه یافته متمایل به گسترش فعالیت بدنی در جوامع خود می‌باشد. برای نمونه، سیاست‌های کلی کشور انگلستان مبتنی بر افزایش میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی است، چراکه اثرات مثبت آن در تمامی زوایا مشخص می‌باشد (کومار^۴ و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۵۰). افزایش سطوح فعالیت و مشارکت در انجام فعالیت‌های ورزشی یکی از مطالب و موضوعات مهم در علوم ورزشی است (گرین^۵، ۲۰۰۵: ۲۴۱). مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند سبب بهبود وضعیت جسمانی و روانی در افراد گردد. همچنین افزایش مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند بر دولت‌ها اثر بگذارد و صنعت ورزش را توسعه دهد (پاولوسکی و بریور^۶، ۲۰۱۲: ۲۶).

از سوی دیگر، سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳، ورزش را حق اجتماعی قلمداد و مطرح کرده که فرصت مشارکت در ورزش و فعالیت‌های بدنی یک حق انسانی است و دولت‌ها موظف هستند که فرصت مشارکت در ورزش را برای همگان فراهم آورند (جوادی پور و سمیع‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۳). در واقع، نتایج سرمایه‌گذاری در ورزش، مشارکت بیشتر افراد در فعالیت‌های ورزشی، بهبود سلامت عمومی و توسعه سرمایه اجتماعی می‌باشد (گرین^۷، ۲۰۰۶: ۲۴۰). یکی از راه‌های رسیدن به مشارکت حداکثری افراد در فعالیت‌های ورزشی، تقویت باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه می‌باشد. باشگاه‌های ورزشی اغلب در دودسته قرار می‌گیرند: (۱) باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه نظیر باشگاه‌های ورزشی بدن‌سازی، باشگاه‌های مخصوص آموزش رشته‌های ورزشی مختلف برای تمامی رده‌های سنی که عموماً توسط شهرداری‌ها و سازمان‌های دولتی اداره می‌شوند و باهدف بهبود وضعیت سلامت عمومی جامعه تشکیل شده‌اند؛ (۲) باشگاه‌های ورزشی خصوصی که باهدف آماده‌سازی تیم‌های ورزشی برای رقابت‌های فهرمانی تشکیل شده‌اند و به صورت خصوصی اداره می‌شوند. در واقع، باشگاه ورزشی^۸ سازمانی است که تعاملات زیادی با محیط بیرونی دارد. اما مسئله آن

¹ Janssen and Leblanc

² Bedard

³ Li and Siegrist

⁴ Kumar

⁵ Green

⁶ Pawlowski and Breuer

⁷ Green

⁸ Sports Club

است که باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه برای اداره امور خود نیاز به دریافت کمک‌های دولتی در قالب یارانه دارند. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که بیش از نیمی از باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه، بدون دریافت یارانه قادر به ادامه فعالیت خود نیستند (بروئر و ویکر^۱، ۲۰۰۹: ۳۵). به لحاظ لغوی یارانه را «کمک»، «کمک مالی»، «اعانه» و «امداد» تعریف کرده‌اند، اما از نظر مفهومی، یارانه اشاره به پرداخت‌های انتقالی بلاعوض نقدی و غیرنقدی از سوی دولت دارد که به صورت مستقیم و غیرمستقیم و باهدف بالارفتن قدرت واقعی خرید مصرف‌کنندگان و افزایش قدرت فروش تولیدکنندگان، عادلانه کردن توزیع درآمد، ایجاد ثبات اقتصادی و جبران ناشی از سیاست‌های دولت و به منظور حفظ یا ارتقای رفاه اجتماعی اعطا می‌شود. در واقع یارانه، انتقال منابع اقتصادی توسط دولت به خریداران یا فروشندگان کالا و خدمات به گونه‌ای است که موجب کاهش قیمت برای مصرف‌کنندگان یا افزایش قیمت فروش و هزینه‌های تولید کالا و خدمات برای تولیدکنندگان می‌شود (عیسی‌وند و توحیدفام، ۲۰۱۵: ۴۴). پرداخت یارانه توسط دولت بر اساس (۱) اهداف دولت: یارانه اقتصادی، توسعه‌ای، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛ (۲) مراحل پرداخت در فرایند اقتصادی: یارانه تولیدی، توزیعی، خدماتی و مصرفی؛ (۳) یارانه آشکار یا پنهان؛ (۴) روش پرداخت: یارانه مستقیم یا غیرمستقیم دسته‌بندی می‌شود. روش پرداخت مستقیم به صورت نقدی (پرداخت پول نقدی به مردم یا تولیدکننده با هدف افزایش درآمد خانوارها و یا جبران هزینه تولید بنگاه‌ها) یا پرداخت ارزشی (اعطای کالا/برگ با ارزش خاص و برای مصارف خاص به خانوارها یا تولیدکنندگان) و روش غیرمستقیم از طریق تعیین قیمت کالاها و خدمات به میزانی کمتر از قیمت واقعی تولیدشده آن‌ها صورت می‌گیرد (هاشمی؛ ۲۰۱۲: ۳۳). با این حال بنابر نتایج پژوهش صادقی و همکاران (۲۰۱۱) با اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها (طرح تحول اقتصادی) یارانه پرداختی دولت به‌ویژه در بخش انرژی و حامل‌های سوخت کاهش و قیمت تمام‌شده بسیاری از خدمات افزایش یافته است که خدمات ورزشی هم از این گروه مستثنی نبوده است- همین نشان‌دهنده حضور کمرنگ دولت و یارانه‌های دولتی در بخش ورزش می‌باشد. در سال ۱۳۹۰، طرح هدفمندی یارانه‌ها از سوی دولت اجرا شد که اثرات مثبت چندانی در وضعیت اقتصادی و معیشتی عموم جامعه نداشت و در مورد ورزش نیز به دلیل افزایش هزینه حامل‌های انرژی منجر به واگذاری بسیاری از اماکن ورزشی از سوی پیمانکاران و مدیران گردید که در نتیجه افزایش هزینه‌های خدمات و کاهش مشارکت در فعالیت‌های ورزشی زا در پی داشت (سادات‌الحسینی و کبیرنتاج، ۲۰۱۱: ۶۵)؛ با این حال، در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، باشگاه‌های ورزشی به‌عنوان دریافت‌کنندگان یارانه‌های عمومی در حوزه ورزش و به‌خصوص ورزش تفریحی هستند (الموس استرلاند و ایورسن^۲، ۲۰۱۹: ۷۴).

¹ Breuer & Wicker

² Elmoose-Østerlund & Iversen

از سویی برنامه‌ها و فعالیت‌های باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه، در دهه‌های اخیر به دلیل تأثیرات خارجی و تغییر نیاز در مصرف‌کنندگان تغییر کرده است. به‌عنوان مثال، تمرکز آن‌ها از ورزش‌های رقابتی و حرفه‌ای به ورزش‌های بهداشتی، فرصتی برای گروه‌های خاص و همکاری با مؤسسات آموزشی تغییر یافته است (ناگل^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۸۱). باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه، عملکردهای مهمی از جمله ادغام اجتماعی، ارتقای سلامت و آموزش را ارائه می‌دهند (فلف^۲ و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۴۱). بنابراین، باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه، نقش مهمی در کمک به رفاه جامعه دارند و به بخشی از فعالیت‌های سیاسی تبدیل شده‌اند و واجد شرایط برای دریافت بودجه عمومی هستند. در نتیجه، باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه در چندین کشور - به‌عنوان مثال، فنلاند، نروژ و سوئد (فهلن^۳، ۲۰۱۵: ۳۴) - یارانه دولتی دریافت می‌کنند.

در کشور آلمان، باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه می‌توانند از یارانه‌های مستقیم که از ایالت‌ها، جوامع و کنفدراسیون‌های ورزشی دریافت می‌کنند، بهره‌مند شوند (هرینگ^۴، ۲۰۱۰: ۱۴۷). در کشورهای اروپایی با ساختاری فدرال یا مشابه مانند اتریش، سوئیس، بلژیک، هلند و اسپانیا، بودجه ورزش نیز مانند آلمان عمدتاً به سطح منطقه‌ای و شهرداری‌ها واگذار شده است.

در کشور نروژ، بیش از یک‌سوم هزینه‌های ساخت و تجهیز اماکن ورزشی مربوط به باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه را دولت و متولیان امر ورزش این کشور به عهده می‌گیرند (ایبسن و سیپل^۵، ۲۰۱۰: ۱۳۱). در کشورهای مختلف، یارانه‌های مخصوصی برای مشارکت معلولان، کودکان، سالمندان و گروه‌های خاص دیگر برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه اختصاص داده می‌شود.

مطابق اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف است آموزش و پرورش و ورزش را برای همه اعم از شهرنشینان، روستاییان، دانش‌آموزان، دانشجویان، کارگران، کارمندان، زنان و مردان به‌صورت رایگان فراهم کند، اما آنچه در شرایطی فعلی رخ می‌دهد تفاوت زیاد و معناداری با این اصل دارد و نه تنها ورزش رایگان نیست، بلکه با طرح‌ها و پیشنهادهایی که مطرح شده، ورزش در حال حذف شدن از سبد هزینه‌های خانواده‌هاست. در کشور، حدود ۲۵ هزار باشگاه ورزشی خصوصی فعالیت می‌کنند که با موانع بسیاری برای اداره امور خود روبه‌رو هستند؛ از جمله:

- پرداخت ارزش افزوده از سوی باشگاه‌ها به دولت؛

1 Nagel

2 Felfe

3 Fahlén

4 Haring

5 Ibsen & Seippel

- بر اساس تصمیم شهرداری‌ها، اماکنی که در بخش‌های مسکونی فعالیت ورزشی داشتند باید برای ادامه فعالیت، تغییر کاربری بدهند و برای این کار باید به شهرداری پول پرداخت کنند که این یعنی بازهم افزایش نرخ تمام‌شده خدمات ورزشی؛
- اجاره اماکن ورزشی بسیار بالا می‌باشد و هیچ نظارتی بر آن‌ها نمی‌شود؛
- تأکید سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان بر کاهش هزینه‌های دریافتی باشگاه‌ها از مشتریان بدون توجه به هزینه‌های انجام‌شده باشگاه‌ها؛
- به‌تازگی طرحی به مجلس ارائه گردیده که طی آن خواسته شده معافیت مالیاتی بر فعالیت‌های ورزشی حذف شود که همین امر زمینه عدم‌فعالیت بخش خصوصی در بخش ورزش را فراهم آورده است (پایگاه خبری اقتصاد آنلاین^۱، ۱۳۹۸).

به دلیل این مشکلات، سرمایه‌گذاران تمایلی برای سرمایه‌گذاری در ورزش نخواهند داشت که نتیجه آن افزایش هزینه‌های درمان برای کشور می‌باشد. بنابراین باید به هدفمندی یارانه‌ها در ورزش کشور، توجه جدی شود. با این حال و به طور کلی اهمیت یارانه‌های عمومی به منزله بخشی از سیاست‌های مالی دولت که تأثیر قابل توجهی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی جوامع دارد، موجب شده که دولت‌ها به ویژه در سال‌های اخیر به دنبال یافتن راهکارهایی برای بهبود یارانه‌ها و افزایش کارآمدی آنها باشند- این در حالی است که نظام قبلی پرداخت یارانه به دلیل روش ناکارآمد پرداخت یارانه به مصرف‌کننده به بی‌عدالتی و کاهش کارایی و بهره‌وری در قسمت‌های مختلف اقتصاد شده بود. به همین دلیل تدوین نقشه راه اصلاح نظام یارانه کشور در قالب گام‌هایی همچون اصلاح قیمتی و ارائه بسته‌های حمایتی در حال اجراست، اما صنعت ورزش به دلیل عدم‌ارائه برنامه منسجم و کارآمد نتوانسته حمایت‌های ملی و بسته‌های حمایتی را برای ورزش کشور درخواست و پیگیری نماید و نتیجه آن افزایش هزینه ورزش و کاهش میزان آن در سبد خانوار بوده است. پس با توجه به برنامه‌های دولت در زمینه هدفمندی توزیع یارانه، ورزش کشور نیز باید با ارائه برنامه‌های مدون از هدفمندی یارانه‌ها بهره‌مناسبی کسب نماید تا به توسعه ورزش کشور منجر شود. بدین ترتیب، هدف پژوهش حاضر، طراحی الگوی پارادایمی هدفمندی یارانه‌ها در ورزش کشور می‌باشد که به بررسی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای هدفمندی یارانه‌های در ورزش ایران در قالب یک مدل پارادایمی می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، روش پژوهش، توصیفی و شیوه گردآوری داده‌ها پیمایشی بود. هیچ‌گونه دستکاری بر روی متغیرها و عوامل صورت نگرفت و رویکرد پژوهش، آمیخته بود. در مرحله اول، برای ساخت الگو از روش کیفی مبتنی بر الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین و برای آزمون الگو از روش کمی توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی مبتنی بر الگوی معادلات ساختاری استفاده گردید. روش پژوهش آمیخته از نوع اکتشافی متوالی بود؛ یعنی ابتدا کیفی و سپس کمی بود. ابزار مورد استفاده در این پژوهش بعد از انجام مصاحبه و رسیدن به اشباع نظری تدوین شد که شامل ۶۲ گویه و در قالب ۱۱ مؤلفه، به صورت پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، ۵ امتیاز تا خیلی کم، ۱ امتیاز) تدوین شد. در بخش اول (کیفی) برای انجام مصاحبه میدانی، جامعه آماری پژوهش را سیاست‌گذاران یارانه در کشور، اعضای مجلس شورای اسلامی، وزارت ورزش و جوانان و اساتید آشنا با مسئله یارانه در ورزش شامل می‌شدند که از میان آنها افرادی به صورت هدفمند از نوع معیاری، برای مصاحبه‌های کیفی در موضوع پژوهش انتخاب گردیدند (۱۵ مصاحبه با ۱۵ نفر تا حد اشباع نظری). در بخش دوم (کمی) بعد از گردآوری اطلاعات حاصل از پژوهش کیفی، اقدام به ساخت پرسش‌نامه شد و این پرسش‌نامه در بین مدیران باشگاه‌های ورزشی تهران توزیع گردید. جامعه آماری بخش کمی این پژوهش شامل کلیه مدیران باشگاه‌های ورزشی تهران بود که آمارهای سامانه آماری ستان نشان داد که تعداد باشگاه‌های ورزشی اداره ورزش و جوانان تهران، ۲۵۹ باشگاه، باشگاه-های ورزشی دولتی تهران ۴۴۰ باشگاه و باشگاه‌های ورزشی خصوصی تهران، ۹۱۷ باشگاه می‌باشد. با توجه به جدول مورگان، تعداد نمونه مورد نیاز در هر گروه، مشخص گردید. (جدول ۱) بنابراین به صورت کلی، تعداد ۴۶۰ مدیر باشگاه ورزشی به پرسش‌نامه پژوهش به صورت صحیح پاسخ دادند. روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای تصادفی بود.

جدول ۱: جامعه و نمونه آماری در بخش کمی پژوهش

جمعه	نمونه	عودت داده شده
باشگاه‌های ورزشی اداره ورزش و جوانان تهران	۲۵۹	۱۱۰
باشگاه‌های ورزشی دولتی تهران	۴۴۰	۱۴۹
باشگاه‌های ورزشی خصوصی تهران	۹۱۷	۲۰۱
کل	۱۶۱۶	۴۶۰

روایی و پایایی در بخش کیفی (قابلیت اعتماد پژوهش)

روایی، پاسخ به این سؤال است که آیا چیزی که پژوهشگر در حال مشاهده و بررسی آن است، همان چیزی است که او در حال سنجیدن و اندازه‌گیری آن است؟ در این پژوهش برای بررسی روایی، یافته‌های پژوهش را برای مشارکت‌کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آن‌ها مطالعه و دیدگاه‌های آن‌ها اعمال شده است. در پایان، این پژوهش توسط اساتید مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت و مواردی جهت اصلاح یا تغییر نظریه نهایی بیان شد.

پایایی به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد. یکی از راه‌های نشان دادن پایایی، مطالعه حسابرسی فرآیند آن است. یافته‌های آن، زمانی قابل حسابرسی هستند که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم به‌کاررفته توسط محقق در طول مصاحبه را نشان دهد. بنابراین محقق پایایی داده‌ها را از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات خود و همچنین قرارداد تمامی داده‌های خام، تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرآیند مطالعه، اهداف اولیه و سؤال‌ها در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرارداد و با حسابرسی دقیق صاحب‌نظران درستی تمامی گام‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر این، در پژوهش کنونی از روش توافق درون‌موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام‌گرفته استفاده شد. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک دانشجوی مقطع دکتری مدیریت ورزشی درخواست شد تا به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت کند. آموزش‌ها و فنون لازم جهت کدگذاری مصاحبه‌ها به ایشان انتقال داده شد. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در نظر دو نفر مشابه هستند با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص شدند. سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرد و درصد توافق درون‌موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود، با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$\text{درصد توافق} = \frac{\text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

تعداد کل کدهای ثبت‌شده توسط هر دو نفر (محقق و فرد همکاری‌کننده) برابر ۲۱۵، تعداد کل توافقات بین این کدها ۸۰ و تعداد کل عدم‌توافقات بین این کدها ۴۸ می‌باشد. پایایی بین دو کدگذار با استفاده از فرمول یادشده ۷۴/۴ درصد به دست آمد که چون از ۶۰ درصد بالاتر بود، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید قرار گرفت.

پایایی و روایی بخش کمی

پایایی و روایی در پی‌ال‌اس در دو بخش سنجیده می‌شود: الف) بخش مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری؛ ب) بخش مربوط به مدل ساختاری. پایایی مدل اندازه‌گیری به وسیله ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بار عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شود که اگر این مقدار برابر یا بیشتر از مقدار ۰/۴ شود، مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن سازه قابل قبول است. همچنین در مورد روایی محتوایی نیز با استفاده از فرم‌های روایی‌سنجی CVI و CVR روایی مورد تأیید قرار گرفت. مقدار CVR با توجه به تعداد اساتید (۸ نفر)، ۰/۷۹ و مقدار CVI بیشتر از ۰/۸۰ به دست آمد. بنابراین روایی محتوایی ابزار ما مورد تأیید قرار گرفت. روایی واگرا و همگرا که مربوط به معادلات ساختاری است، مورد سنجش قرار گرفت. در این پژوهش از دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی از جداول و نمودارهای توصیفی برای بیان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و توصیفی پژوهش استفاده شد. از شاخص‌های کشیدگی و چولگی به منظور بررسی توزیع داده‌ها (طبیعی یا غیرطبیعی بودن) استفاده و برای بررسی و پاسخ به سؤالات پژوهش و رسم و تدوین مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۴، Smart PLS نسخه ۲/۰ و نرم‌افزار Max QDA نسخه Pro استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۲: یافته‌های توصیفی پژوهش

کمی		کیفی		گروه‌ها	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۶۷/۴	۳۱۰	۷۳/۳	۱۱	مرد	جنسیت
۳۲/۶	۱۵۰	۲۶/۷	۴	زن	
۲/۴	۱۱	۰	۰	زیر ۲۰ سال	سن
۶۰/۸	۲۸۰	۲۰	۳	۲۱ تا ۴۰ سال	
۲۲/۲	۱۰۲	۴۶/۷	۷	۴۱ تا ۶۰ سال	
۱۴/۶	۶۷	۲۶/۷	۴	بالای ۶۰ سال	
۲۴/۶	۱۱۳	۰	۰	دیپلم	تحصیلات
۵۶/۷	۲۶۱	۴۶/۷	۷	کارشناسی	
۱۸/۷	۸۶	۵۳/۳	۸	کارشناسی ارشد و دکتری	

تحلیل کیفی

در این مرحله، چند کد مفهومی تبدیل به یک مقوله می‌شود. در جداول زیر نتایج کدگذاری باز بر اساس کدهای مفهومی و مقولات آورده شده است:

جدول ۳: کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات

کد مصاحبه‌شونده	مفاهیم	مقوله	ردیف		
P1, P5, P10	تورم	اقتصادی			
P3, P5, P6	تحریم				
P1, P6, P9	فساد مالی در ورزش				
P5, P6, P9, P11	طبقه اقتصادی جامعه				
P1, P2, P12	دسترسی به تسهیلات مالی و اعتباری برای باشگاه‌های ورزشی				
P3, P5, P8, P14	بودجه اختصاص یافته به ورزش				
P8, P9, P11, P12	اجاره‌بهای اماکن ورزشی				
P1, P3, P12	پرداخت عوارض به شهرداری‌ها از سوی باشگاه‌ها				
P2, P6, P9, P13	فرهنگ ورزش در اقشار مختلف جامعه			فرهنگی	
P3, P7, P12	فرهنگ‌سازی ورزش کردن از سوی مدارس				
P6, P9, P13	نحوه اطلاع‌رسانی از مزایای ورزش کردن در رسانه‌ها				
P2, P3, P11	اماکن ورزشی مناسب				
P2, P8, P11	تجهیزات ورزشی مناسب				
P5, P10, P11, P12, P13	تعداد اماکن ورزشی دولتی در کشور	زیرساخت‌ها			
P1, P3, P5	دسترسی به اماکن ورزشی				
P5, P9, P10	کمیت و کیفیت اماکن ورزشی				
P7, P8, P12	وضعیت حامل‌های انرژی در کشور (مربوط به باشگاه‌های ورزشی)				
P5, P6, P10	هزینه ساخت و نگهداری اماکن ورزشی				
P2, P3, P8, P9	بیش مدیران سازمان‌های ورزشی نسبت به ورزش برای عموم مردم			مدیریتی	
P1, P2, P9, P10	دانش مدیران نسبت به ورزش				
P4, P5, P9, P12	نحوه برنامه‌ریزی مدیران ورزش کشور				

P3, P6, P7, P10, P13	آموزش منابع انسانی در سازمان‌های ورزشی	
P6, P10, P11	نگرش مدیران کلان کشور نسبت به اهمیت ورزش	
P3, P7, P10, P11	حمایت مدیران از طرح‌های توسعه‌ای ورزشی	
P1, P5, P7, P8	وجود کارگروه مطالعه یارانه‌ها در ورزش در سازمان‌های متولی ورزش کشور	
P1, P7, P11	قوانین مالیاتی	
P1, P3, P5, P9	موازی‌کاری سازمان‌های ورزشی	
P5, P7, P8	قوانین غیربشتیبان از باشگاه‌های ورزشی	قوانین و سیاست‌ها
P2, P3, P11	عملکرد نهادهای نظارتی	
P9, P10, P13	نفوذ جریان‌های سیاسی به ورزش	
P1, P6, P10	قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کننده	
P3, P8, P9	اجرای قوانین تصویب‌شده	
P5, P9	تغییر نگاه مسئولان به هزینه‌کرد در ورزش	
P4, P9, P11	انجام پژوهش‌های کاربردی و تطبیقی	
P2, P10, P12	تدوین برنامه راهبردی برای نحوه اعطای یارانه به ورزش	
P4, P11, P15	توازن در تخصیص بودجه	
P2, P3, P14	مشارکت بخش خصوصی در ورزش	راهبردها
P3, P10	ایجاد یک جنبش ملی در توسعه و بهبود عملکرد باشگاه‌های ورزشی	
P6, P7, P8	حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد از ورزش باشگاهی	
P5, P8, P12	تهیه بانک اطلاعاتی از اماکن و باشگاه‌های ورزشی، درآمدهای آن‌ها و نحوه اداره آن (خصوصی، دولتی)	
P3, P7, P8	رصد قوانین یارانه‌ای سایر کشورها	
P1, P3, P6	اعطای تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی به باشگاه‌های ورزشی	
P1, P2, P7	مشارکت بیشتر عموم مردم در ورزش	
P6, P9, P11, P14	بهبود عملکرد ورزشی ورزشکاران	
P7, P11, P13	بهبود سطح مشارکت در ورزش قهرمانی	پیامدها ورزشی
P2, P9	بهبود سطح مشارکت در ورزش همگانی	
P2, P3, P9	بهبود سطح مشارکت در ورزش تربیتی	
P1, P3, P4, P8	بهبود سلامت جسمانی	
P5, P7, P10	بهبود سلامت روانی	پیامدهای سلامتی
P1, P2, P8	افزایش امید به زندگی	

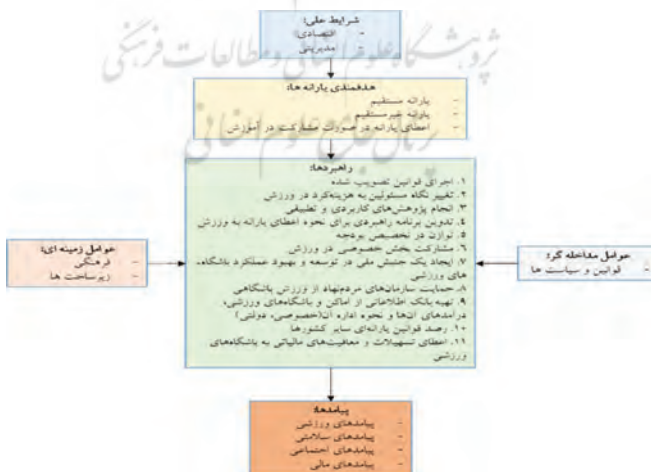
طراحی الگوی پارادایمی هدفمندی یارانه ها در ورزش کشور

P6, P8, P11	کاهش نرخ مرگ و میر ناشی از کم تحرکی	
P3, P12	شادابی و نشاط در جامعه	
P5, P7, P13	بهبود عدالت اجتماعی	
P3, P6, P13	غنی سازی اوقات فراغت عموم مردم	پیامدهای اجتماعی
P2, P3, P7	بهبود کیفیت زندگی	
P2, P3, P6	سالم سازی محیط زندگی (کاهش انحرافات اجتماعی)	
P6, P7, P12	کاهش قیمت خدمات ورزشی	
P1, P3, P8, P10	ایجاد اشتغال در صنعت ورزش (خدماتی و تولیدی)	پیامدهای مالی
P1, P6, P9, P13	رونق کسب و کارهای ورزشی	
	اختصاص یارانه به صورت مستقیم (کوپن)	
	اختصاص یارانه به صورت غیر مستقیم (یارانه به حامل های انرژی)	هدفمندی یارانه ها در ورزش
	اعطای یارانه (مستقیم و یا غیر مستقیم) در صورت مشارکت در آموزش ورزش کشور	

در نهایت ۶۲ کد مفهومی و ۱۱ مقوله اصلی استخراج شد.

گام دوم: کدگذاری محوری

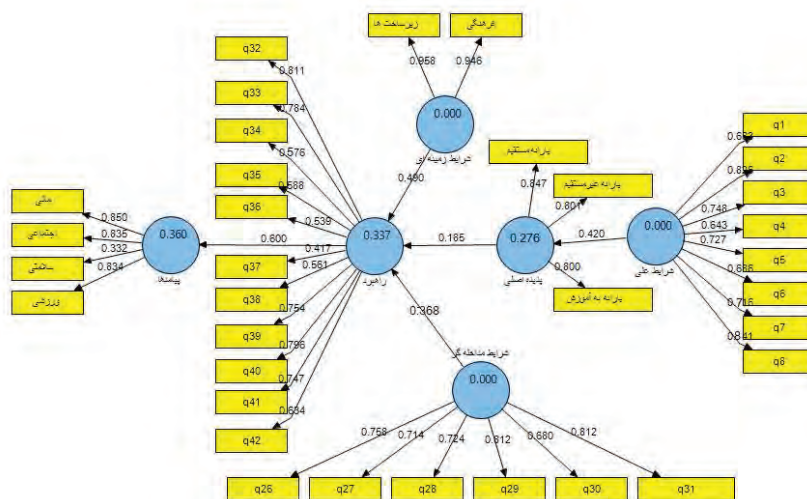
کدهای محوری پژوهش حاضر در واقع همان مقولات مستخرج در مرحله کدگذاری باز می باشند (کرسول، ۱۳۹۶). بنابراین مدل نهایی الگوی پارادایمی هدفمندی یارانه ها در ورزش کشور در شکل ۱ نمودار است:



شکل ۱: مدل نهایی الگوی پارادایمی هدفمندی یارانه ها در ورزش کشور

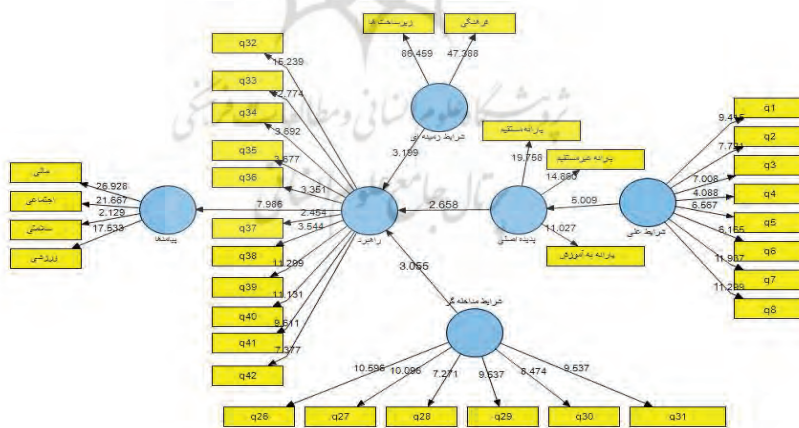
در ادامه از طریق نرم افزار SPSS به تحلیل ویژگی های جمعیت شناختی نمونه های پژوهش و سپس به تحلیل نتایج حاصل از جمع آوری پرسش نامه ها با استفاده از نرم افزار Smart PLS به سؤال های ایجاد شده پژوهش پاسخ داده شد. برای بررسی برازش مدل های اندازه گیری، سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده گردید و پایایی خود از سه طریق بررسی ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و پایایی اشتراکی صورت پذیرفت. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، $0/5$ می باشد. برای تمامی سؤال ها، ضرایب بارهای عاملی سؤالات از $0/5$ بیشتر بود که نشان از مناسب بودن این معیار دارد. در اینجا هیچ یک از سؤال ها حذف نگردید. مقدار مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرها در هر ۶ متغیر، بالاتر از $0/7$ بود که حاکی از پایایی مناسب مدل است. در این پژوهش پایایی متغیرها در حد مطلوب قرار دارد. از آنجا که پایایی تایید شد، به بررسی فرضیات توسط معادلات ساختاری پرداختیم و نتیجه قابل تعمیم به کل جامعه مورد نظر می باشد. معیار دوم از بررسی مدل های اندازه گیری، روایی همگراست که به بررسی همبستگی هر متغیر با سؤالات (شاخص ها) خود می پردازد. با توجه به روش فورنل و لارکر که مقدار مناسب برای AVE را $0/4$ به بالا معرفی کرده ان، برای تمامی ۶ متغیر، مقدار AVE بیشتر یا مساوی $0/4$ می باشد. روایی واگرا سومین معیار بررسی برازش مدل های اندازه گیری است که در این پژوهش در هر دو بخش روش اول (سؤالات مربوط به هر متغیر نسبت به خود آن متغیر همبستگی بیشتری داشتند تا نسبت به متغیرهای دیگر) و دوم (معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می گردد، میزان رابطه یک متغیر با سؤالاتش در مقایسه رابطه آن متغیر با سایر متغیرهاست) قابل قبول بود؛ به طوری که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک متغیر در مدل تعامل بیشتری با سؤالات خود دارد تا با متغیرهای دیگر. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر متغیر بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن متغیر و متغیرهای دیگر در مدل باشد- که مورد تأیید قرار گرفت. بعد از بررسی برازش مدل های اندازه گیری، نوبت به برازش مدل ساختاری پژوهش رسید. همان گونه که قبلاً اشاره شد، بخش مدل ساختاری برخلاف مدل های اندازه گیری، به سؤالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آنها بررسی می گردد.

طراحی الگوی پارادیمی هدفمندی یارانه ها در ورزش کشور



شکل ۲: مدل اندازه گیری (بررسی ضرایب مسیر مدل پژوهش)

برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می شود که اولین و اساسی ترین معیار، ضرایب معنی داری t یا همان مقادیر t -values می باشد. در صورتی که مقدار این اعداد از $0/95$ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه بین متغیرها و در نتیجه تایید فرضیه های پژوهش در سطح اطمینان $1/96$ است. البته باید توجه داشت که اعداد فقط صحت رابطه را نشان می دهند و شدت رابطه بین متغیرها را نمی توان با آنها سنجید.



شکل ۳: ضرایب معنی داری t (مقادیر t -values)

مقدار R^2 برای متغیرهای برونزا یا مستقل برابر صفر است. در این قسمت، مقدار R^2 برای دو متغیر (راهبردها پیامدها) بیشتر از $0/32$ و برابر با مقدار متوسط و برای متغیر پدیده اصلی بیشتر از $0/19$ و

برابر با مقدار ضعیف است. مقدار Q^2 : این معیار برای سه متغیر درون‌زای مدل بیشتر از ۰/۱۵ می‌باشد که این نشان می‌دهد که متغیر برون‌زا (مستقل) در پیش‌بینی متغیر وابسته، متوسط هستند و برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش را تا حدودی بار دیگر تایید می‌سازد. برازش مدل کلی: مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تایید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است، در هر ۳ متغیر، مقدار بیشتر از ۰/۳۶ به‌دست آمد که نشان از برازش کلی متوسط مدل دارد. بنابراین در بخش کیفی پژوهش مشخص گردید که مقوله‌ها در قالب ۱۱ مقوله و ۶۲ کد مفهومی در دل ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی به‌صورت موجبات علی (۱ مقوله)، مقوله اصلی: هدفمندی یارانه‌ها در ورزش (۱ مقوله)، راهبردها (۱۱ کد)، شرایط زمینه‌ای (۲ مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۱ مقوله) و پیامدها (۴ مقوله) جای گرفتند. در بخش کمی نیز مشخص گردید که هر ۶ مؤلفه‌ی اصلی پژوهش از برازش مناسبی برخوردارند. بنابراین مدل پژوهش دارای برازش کافی است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، طراحی الگوی پارادایمی هدفمندی یارانه‌ها در ورزش کشور بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عوامل اقتصادی از شرایط علی اثرگذار بر هدفمندی یارانه‌ها در ورزش کشور می‌باشد. در واقع، تحولات گوناگون طی چند دهه اخیر به‌خصوص در بخش صنعت و فناوری بر رابطه بین اقتصاد و ورزش تأثیر گذاشته است؛ چنان‌که امروزه حجم پول در گردش، در بخش صنعت فراغت به‌طور عام و در بخش ورزش به‌طور خاص، ورزش را به یکی از شیوه‌های کسب درآمد ملی و منطقه‌ای تبدیل کرده که چشم‌پوشی از آن امکان‌پذیر نیست. بررسی‌ها در جوامع پیشرفته نشان داده‌اند که ورزش از عوامل تأثیرگذار در رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی کشورها در آینده خواهد بود. ورزش با ایجاد مکانیسم‌های مؤثر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد تأثیر گذاشته است؛ چنان‌که ورزش باعث افزایش سطح سلامت و تندرستی در میان افراد جامعه می‌شود و افزایش سطح سلامت با تأثیر بر سرمایه انسانی و نیز سرمایه اجتماعی سبب افزایش سطح بهره‌وری اقتصادی در بخش‌های تولیدی و خدماتی می‌گردد. گسترش ورزش سبب افزایش سطح سلامت می‌شود و هزینه‌های بهداشتی، درمانی و هزینه‌های جانبی آن را در جامعه کاهش می‌دهد. افزایش چشمگیر شاغلان در بخش ورزش که بر روند جاری اقتصاد حاکم بر کشورها به‌خصوص کشورهای پیشرفته تأثیر گذاشته و از حجم بیکاران روبه افزایش کاسته است. از ورزش به‌عنوان ابزاری مؤثر برای بازاریابی و فروش کالاهای ورزشی و غیرورزشی استفاده می‌شود و سرمایه‌های پولی و مالی به بازارهای داخلی از طریق برگزاری مسابقات ورزشی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی وارد می‌گردد (رستم‌زاده و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۷). به‌طورکلی نقش اقتصادی ورزش را می‌توان در دو دسته

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی تقسیم نمود. اثراتی چون تولید کالاها و خدمات ورزشی، صادرات و واردات، هزینه‌های خانوار، ایجاد اماکن و تسهیلات، تبلیغات، مشارکت در بورس، پوشش رسانه‌ای، اشتغال، جذب گردشگر و حامیان مالی در زمره اثرات مستقیم اقتصادی ورزش قرار می‌گیرند. اثرات اقتصادی غیرمستقیم ورزش نیز در زمینه‌هایی چون: ارتقای سطح سلامت جامعه، کاهش هزینه‌های درمان و به تبع آن توسعه برنامه‌های ملی سلامت، کاهش بزهکاری‌ها، کاهش غیبت کارکنان و افزایش عملکرد و بهره‌وری آن‌ها و در نتیجه، رشد و توسعه اقتصاد می‌باشد (ساندرسن^۱، ۲۰۰۰: ۱۴۱). اثرات غیرمستقیم که در خیلی از موارد از آن غفلت می‌شود، مبتنی بر عملکرد بخش‌های ورزشی داوطلبانه نظیر فعالیت‌های باشگاه‌های ورزشی داوطلبانه است. در صورتی که عملکرد این بخش از ورزش کشور - همانند آنچه در چند سال گذشته به دلیل افزایش هزینه‌های نگهداری و اداره باشگاه‌های ورزشی که در پی افزایش هزینه حامل‌های انرژی رخ داد- با ضعف همراه باشد، منجر به کاهش مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی می‌گردد. تأثیر وضعیت اقتصادی بر اعطای یارانه به بخش ورزش کشورها، در پژوهش فیلر همکاران (۲۰۱۸) و سادات‌الحسینی و کبیرنتاج (۲۰۱۱) بررسی شده است که با نتایج پژوهش در این قسمت همخوان و هم‌راستا می‌باشد.

پدیده اصلی شناسایی شده در پژوهش حاضر هدفمندی یارانه‌ها در ورزش کشور می‌باشد که شامل اعطای یارانه به صورت مستقیم، اعطای یارانه به صورت غیرمستقیم و اعطای یارانه در صورت مشارکت در آموزش به باشگاه‌های ورزشی است. الموس استرلاند و ایورسن (۲۰۱۹) در پژوهش خود دریافتند که اعطای یارانه به صورت مستقیم و غیرمستقیم به باشگاه‌های ورزشی می‌تواند تأثیری مثبت بر مشارکت در فعالیت‌های ورزشی باشگاه‌ها داشته باشد. نتایج مشابهی نیز در پژوهش‌های پیلگارد و نیلسن^۲ (۲۰۱۷)، هاگمن^۳ و همکاران (۲۰۱۷) و تاگرسن و ایورسن^۴ (۲۰۱۴) مشاهده شد. بنابراین نتایج پژوهش با پژوهش‌های یادشده همخوان می‌باشد و پژوهشی که نتایجش مغایر با نتایج پژوهش حاضر باشد، مشاهده نگردید. همچنین مشخص گردید، عوامل فرهنگی و زیرساخت‌ها از شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر راهبردها می‌باشد. الموس استرلاند و ایورسن (۲۰۱۹) نیز در پژوهش خود به عامل زیرساخت‌ها (ساخت و تجهیز اماکن ورزشی) در توسعه مشارکت در ورزش و همچنین اعطای یارانه به باشگاه‌ها تأکید داشتند. سادات‌الحسینی و کبیرنتاج (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود به عوامل فرهنگی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر اعطای یارانه به ورزش تأکید داشته است.

¹ Sanderson

² Pilgaard & Nielsen

³ Hoekman

⁴ Thøgersen & Iversen

از سوی دیگر مشخص گردید که قوانین و سیاست‌ها از شرایط مداخله‌گر مؤثر بر هدفمندی یارانه‌ها در ورزش می‌باشد. قوانین مالیاتی، موازی‌کاری سازمان‌های ورزشی، قوانین غیرپشتیبان از باشگاه‌های ورزشی، عملکرد نهادهای نظارتی، نفوذ جریان‌های سیاسی به ورزش و قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کننده از جمله این قوانین و سیاست‌ها می‌باشد. باشگاه‌های ورزشی در کشور با توجه به شرایط به‌وجود آمده به دلیل پایین آمدن قدرت خرید عموم (گرانی و رکود کسب‌وکارها به دلیل شیوع بیماری کرونا)، در شرایط بسیار سختی فعالیت می‌کنند که نیاز است قوانین پشتیبانی، از این گروه که بخش بزرگی از کسب‌وکارها را تشکیل می‌دهند، حمایت کنند. نتایج پژوهش در این قسمت با نتایج پژوهش‌های الموس استرلاند و ایورسن (۲۰۱۹) و ناگل و همکاران (۲۰۱۵) همخوان و همراستا می‌باشد.

راهبردهای شناسایی شده شامل اجرای قوانین تصویب‌شده، تغییر نگاه مسئولان به هزینه‌کرد در ورزش، انجام پژوهش‌های کاربردی و تطبیقی، تدوین برنامه راهبردی برای نحوه اعطای یارانه به ورزش، توازن در تخصیص بودجه، مشارکت بخش خصوصی در ورزش، ایجاد یک جنبش ملی در توسعه و بهبود عملکرد باشگاه‌های ورزشی، حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد از ورزش باشگاهی، تهیه بانک اطلاعاتی از امکان و باشگاه‌های ورزشی، درآمدهای آن‌ها و نحوه اداره آن (خصوصی، دولتی)، رصد قوانین یارانه‌ای سایر کشورها و اعطای تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی به باشگاه‌های ورزشی می‌باشد. اجرای هر یک از این راهبردها، منجر به بروز پیامدهایی می‌شود که این پیامدها شامل پیامدهای ورزشی، سلامتی، اجتماعی و مالی است. نتایج پژوهش در این قسمت با نتایج پژوهش‌های الموس استرلاند و ایورسن (۲۰۱۹) و پیلگارد و نیلسن (۲۰۱۷)، همخوان و همراستا می‌باشد.

ایبسن^۱ و همکاران (۲۰۱۶) و نیکولز و تیلور^۲ (۲۰۱۵) از پیامدهای مشارکت بیشتر در ورزش که حاصل اعطای یارانه به باشگاه‌ها می‌باشد را حضور بیشتر جوانان و نوجوانان در فعالیت‌های ورزشی برای پرکردن اوقات فراغتشان نام برده‌اند. پیامدهای سلامتی حاصل از حضور در باشگاه‌های ورزشی نیز در پژوهش‌های زیادی تأیید شده است (کومار و همکاران، ۲۰۱۸: ۷۴). همچنین حضور بیشتر مردم در فعالیت‌های ورزشی منجر به رونق کسب‌وکارهای ورزشی می‌گردد. تقاضا برای کالاهای ورزشی افزایش می‌یابد، به نیروهای بیشتری در بخش‌های مختلف خدماتی و تولیدی ورزشی نیاز است. بنابراین شغل‌های جدیدی شکل می‌گیرد. از پیامدهای اجتماعی، ایجاد حس عدالت اجتماعی در اقشار مختلف جامعه می‌باشد. اینکه تفاوتی در استفاده از امکانات ورزشی بین گروه‌های اجتماعی وجود ندارد، انگیزه حضور در فعالیت‌های ورزشی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر زمانی که جوانان، اوقات زیادی را به حضور در اماکن ورزشی سپری کنند، به انجام رفتارهای مخرب اجتماعی، علاقه کمتری خواهند داشت. بنابراین تأثیرات اجتماعی که به‌مراتب

^۱ Ibsen

^۲ Nichols & Taylor

طراحی الگوی پارادایمی هدفمندی یارانه ها در ورزش کشور

می تواند در شاداب سازی جامعه نقش پررنگی داشته باشد، از پیامدهای برجسته هدفمندی یارانه ها خواهد بود.

از آنجا که بخشی از قوانینی که تصویب می شود، اجرا نمی گردد، پیشنهاد می شود که قوانین تصویب شده در حوزه ورزش و اعطای یارانه ها اجرا گردد و ضمانت اجرایی داشته باشند. پیشنهاد می شود که مدیران و متصدیان ورزش کشور، نگاه خود را نسبت به هزینه کرد در ورزش، تغییر دهند و صرفاً آن را هزینه مصرفی ندانند، بلکه نگاه سرمایه گذاری به آن داشته باشند. سازمان های تصمیم گیرنده در مورد هزینه کرد در ورزش (وزارت ورزش و جوانان، مجلس شورای اسلامی و ...) با دانشگاه ها برای انجام پژوهش های کاربردی و تطبیقی، قراردادی منعقد نمایند. برنامه راهبردی برای نحوه اعطای یارانه به ورزش توسط وزارت ورزش و جوانان تدوین و اجرا گردد. شرایط مشارکت بخش خصوصی در ورزش تسهیل شود؛ از جمله اخذ مالیات های کمتر (معافیت های مالیاتی). شرایط برای حضور و حمایت سازمان های مردم نهاد از ورزش باشگاهی مهیا گردد. تهیه بانک اطلاعاتی از اماکن و باشگاه های ورزشی، درآمدهای آن ها و نحوه اداره آن (خصوصی، دولتی) در دستور کار وزارت ورزش و جوانان قرار گیرد. پیشنهاد می شود روش های اعطای یارانه به ورزش در سایر کشورها مورد رصد قرار گیرد و از آن ها الگوبرداری شود. تسهیلات و معافیت های مالیاتی به باشگاه های ورزشی اعطا گردد تا انگیزه حضور سرمایه گذاران و مدیران باشگاه ها برای فعالیت در این حوزه بیشتر شود. در جمع بندی نهایی می توان گفت که اعطای تسهیلات مورد نیاز باشگاه های ورزشی و رفع نیازهای آن ها در قالب اعطای یارانه می تواند راهگشای بسیار مناسبی برای توسعه ورزش همگانی در کشور گردد. از طرفی دولت و مجلس شورای اسلامی با کاهش هزینه های انرژی مصرفی اماکن ورزشی، ارائه تسهیلات و بسته های حمایتی در زمینه تعمیر و تجهیز اماکن ورزشی، کاهش و حذف هزینه پروانه های ساخت و توسعه و همچنین حذف مالیات، تخصیص بخشی از مالیات بر ارزش افزوده به سازمان های ورزشی، ارائه معافیت های مالیاتی و بسته های حمایتی به حامیان مالی در ورزش و همچنین توجه به ورزش دانش آموزی از طریق قبول بخشی از هزینه های ورزش دانش آموزی در اوقات فراغت و کانون های آموزشی، زمینه بهره مندی ورزش را از بسته های حمایتی دولت در قالب یارانه فراهم آورند. بنابراین، امید است نتایج پژوهش حاضر در رفع موانع حضور عموم مردم در فعالیت های ورزشی توانسته باشد گامی هرچند کوچک برداشته باشد.

منابع

- Bayle, E. (2017). "The organisation of sport and policy towards sport federations". In J. Scheerder, A. Willem, & E. Claes (Eds.), Sport policy systems and sport federations. A cross-national perspective (pp. 263–282). London: Palgrave Macmillan.
- Bedard, C., Hanna, S., & Cairney, J. (2019). "A Longitudinal Study of Sport Participation and Perceived Social Competence in Youth". Journal of Adolescent Health. doi:10.1016/j.jadohealth.2019.09.017

- Berry, R., & Manoli, A. E. (2018). **"Alternative revenue streams for centrally funded sport governing bodies"**. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 10(3), 429–450. Doi: 10.1080/19406940.2017.1387587
- Breuer, C., & Feiler, S. (2015). **Sport Development Report 2013/2014. Analysis of the situation of sports clubs in Germany**. Abbreviated Version. Cologne: Sportverlag Strauß.
- Breuer, C., & Wicker, P. (2009). **Sport Development Report 2007/2008. Analysis of the sports clubs' situation in Germany**. Abbreviated Version. Cologne: Sportverlag Strauß.
- Breuer, C., Feiler, S., Llopis-Goig, R., & Elmoose-Østerlund, K. (2017). **"Characteristics of European sports clubs. A comparison of the structure, management, voluntary work and social integration among sports clubs across ten European countries"**. Odense: University of Southern Denmark.
- Dallmeyer, S., Wicker, P., & Breuer, C. (2017). **"Public expenditure and sport participation: An examination of direct, spillover, and substitution effects"**. *International Journal of Sport Finance*, 12(3), 244–264.
- Downward, P., & Rasciute, S. (2011). **"Does sport make you happy? An analysis of the well-being derived from sports participation"**. *International Review of Applied Economics*, 25(3), 331–348.
- Elmoose-Østerlund, K., & Iversen, E. B. (2019). **"Do public subsidies and facility coverage matter for voluntary sports clubs?"** *Sport Management Review*. doi:10.1016/j.smr.2019.03.007
- Eurostrategies. (2011). **"Study on the funding of grassroots sports in the EU. With a focus on the internal market aspects concerning legislative frameworks and systems of financing"**. Final Report. Volume I. Brussels: Amnyos, CDES, Deutsche Sporthochschule Köln, EOC EU Office.
- Fahlén, J. (2015). **"Sport clubs in Sweden"**. In C. Breuer, R. Hoekman, S. Nagel, & H. Van derWerff (Eds.), *Sport clubs in Europe. A cross-national comparative perspective* (pp. 343–367). Cham: Springer.
- Feiler, S., Wicker, P., & Breuer, C. (2018). **"Public subsidies for sports clubs in Germany: Funding regulations vs. Empirical evidence"**. *European Sport Management Quarterly* 1–21.
- Felfe, C., Lechner, M., & Steinmayr, A. (2016). **Sports and child development**. *PLoS ONE*, 11(5).
- Green, C. B. (2005). **"Building sport programs to optimize athlete recruitment, retention, and transition: Toward a normative theory of sport development"**. *Journal of Sport Management*, 19, 233–253.
- Green, M. (2006). **From 'sport for all' to not about 'sport' at all? Interrogating sport policy interventions in the United Kingdom**. *European Sport Management*.
- Haring, M. (2010). **"Sportförderung in Deutschland. Eine vergleichende Analyse der Bundesländer"**. [Sport funding in Germany. A comparative analysis of the states]. Wiesbaden: VS Verlag für Sozialwissenschaften.
- Heinemann, K. (2005). **"Sport and the welfare state in Europe"**. *European Journal of Sport Science*, 5 (4), 181–188.
- Hoekman, R., Breedveld, K., & Kraaykamp, G. (2017). **"Providing for the rich? The effect of public investments in sport on sport (club) participation of vulnerable youth and adults"**. *European Journal for Sport and Society*, 14(4), 327–347.
- Hoye, R., & Nicholson, M. (2008). **"Locating social capital in sport policy"**. In M. Nicholson, & R. Hoye (Eds.), *Sport and social capital*, Amsterdam: ButterworthHeinemann.
- Humphreys, B. R., MacLeod, L., & Ruseski, J. (2014). **"Physical activity and health outcome: Evidence from Canada"**. *Health Econ*. 23(1), 33–54
- Ibsen, B., & Seippel, Ø. (2010). **"Voluntary organized sport in Denmark and Norway"**. *Sport in Society*, 13(4), 593–608.
- Ibsen, B., Nichols, G., Elmoose-Østerlund, K., Breuer, C., Claes, E., Disch, J., Zwahlen, J. A. (2016). **"Sports club policies in Europe. A comparison of the public policy context and historical origins of sports clubs across ten European countries"**. Odense: Centre for Sports, Health and Civil Society, University of Southern Denmark.
- Issavand, L, Tawhid FAM, M. (2015). **"Investigating the causes of the failure of the policy of targeting subsidies in Iran"**. *Encyclopedia of Law and Politics*, 23: 38-11. (Persian)

- Iversen, E. B., & Cuskelly, G. (2015). **"Effects of different policy approaches on sport facility utilisation strategies"**. *Sport Management Review*, 18(4), 529–541.
- Janssen, I., & LeBlanc, A. G. (2010). **"Systematic review of the health benefits of physical activity and fitness in school-aged children and youth"**. *International journal of behavioral nutrition and physical activity*, 7(1), 1.
- Javadipour, M., Sami Nia, M. (2013). **"Public sports in Iran and the development of visions, strategies and plans for the future"**. *Journal of Applied Research in Sports Management*, 1 (4), 21-30. (Persian)
- Koski, P. (2012). **"Finnish sports club as a mirror of society"**. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 4(2), 257–275.
- Kumar, H., Manoli, A. E., Hodgkinson, I. R., & Downward, P. (2018). **"Sport participation: From policy, through facilities, to users' health, well-being, and social capital"**. *Sport Management Review*. 21(5): 549-562.
- Lamprecht, M., Bürgi, R., Gebert, A., & Stamm, H. (2017). **"Sportvereine in der Schweiz. Entwicklungen, Herausforderungen und Perspektiven"** [Sports clubs in Switzerland. Developments, challenges and perspectives]. Magglingen: Bundesamt für Sport BASPO.
- Lasby, D., & Sperling, J. (2007). **Understanding the capacity of Ontario sports and recreation organizations**. Toronto, ON: Imagine Canada.
- Li, J., & Siegrist, J. (2012). **"Physical activity and risk of cardiovascular disease—a meta-analysis of prospective cohort studies"**. *International journal of environmental research and public health*, 9(2), 391-407.
- Llopis-Goig, R. (2017). **"Spain: Putting the pieces of the sport system in place – The role of the sport federations"**. In J. Scheerder, A. Willem, & E. Claes (Eds.), *Sport policy systems and sport federations. A cross-national perspective* (pp. 243–262). London: Palgrave Macmillan.
- Millar, P. L. (2015). **"Capacity Building in Community Sport Organizations"**. Electronic Thesis and Dissertation Repository. 3010. London: University of Western Ontario.
- Nagel, S., Schlesinger, T., Wicker, P., Lucassen, J., Hoeckman, R., van der Werff, H., & Breuer, C. (2015). **"Theoretical framework"**. In C. Breuer, R. Hoeckman, S. Nagel, & H. van der Werff (Eds.),
- Nichols, G., & Taylor, P. (2015). **"Sport clubs in England"**. In C. Breuer, R. Hoekman, S. Nagel, & H. Van der Werff (Eds.), *Sport clubs in Europe. A cross-national comparative perspective* (pp. 111– 130). Cham: Springer.
- Parker AG, Markulev C, Rickwood DJ, Mackinnon A, Purcell R, Alvarez-Jimenez M, Yung AR, McGorry P, Hetrick SE, Jorm A. (2019). **"Improving Mood with Physical ACTivity (IMPACT) trial: a cluster randomised controlled trial to determine the effectiveness of a brief physical activity behaviour change intervention on depressive symptoms in young people, compared with psychoeducation, in addition to routine clinical care within youth mental health services-a protocol study"**. *BMJ Open*. 2019 Oct 28; 9(10):e034002. doi: 10.1136/bmjopen-2019-034002.
- Parnell, D., Spracklen, K., & Millward, P. (2017). **"Sport management issues in an era of austerity"**. *European Sport Management Quarterly*, 17(1), 67–74.
- Pawlowski, T., & Breuer, C. (2012). **Die finanzpolitische Bedeutung des Sports in Deutschland**. Wiesbaden: Springer-Gabler Research, 26.
- Pilgaard, M., & Nielsen, C. G. (2017). **"Idræt i danske kommuner. Betydningen af facilitetsdækning og kommunale udgifter til idræt for foreningsdeltagelsen"**. [Sport in Danish municipalities. The significance of facility coverage and municipal subsidies for sports club participation]. Copenhagen: Danish Institute for Sports Studies.
- Rostamzadeh, P., Sadeghi, H., Assari, A, Yavari, K. (2014). **"The Effect of Government Investment in Sports on Economic Growth in Iran"**. *Quarterly Journal of Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 14 (4): 210-177. (Persian)
- Sadat Al-Husseini, M, Kabirntaj, F. (2011). **"The effect of targeted subsidies on sports in the country"**. The 6th National Conference of Physical Education and Sports Sciences Students of Iran, Tehran, Research Institute of Physical Education and Sports Sciences. (Persian)

- Sadeghi, R, Zarifi, M, Davoodi, K. (2011). **“Investigating the effect of targeted subsidies on the level of participation of individuals in sports programs, from the perspective of managers of public and private clubs in western Tehran”**. the 6th National Conference of Physical Education and Sports Sciences Students, Tehran, Institute of Physical Education and Sports Sciences. (Persian)
- Sanderson, K.; Harris, F.; Russel, S. & Chase, S. (2000). **the economic benefit of sport: A Review**. Business and Economic Research Ltd (BERL).
- Schulz, K. H., Meyer, A., & Langguth, N. (2012). **“Exercise and psychological well-being”**. Bundesgesundheitsblatt-Gesundheitsforschung-Gesundheitsschutz, 55(1), 55-65.
- Schüttoff, U., Pawlowski, T., Downward, P., & Lechner, M. (2018). **“Sports participation and social capital formation during adolescence”**. Social Science Quarterly, 99(2), 683-698. Doi: 10.1111/ssqu. 12453
- Skille, E. Å. (2015). **“Community and sport in Norway: Between state sport policy and local sport clubs”**. International Journal of Sport Policy and Politics, 7(4), 505-518.
- Ulseth, A.-L. B. (2004). **“Social integration in modern sport: Commercial fitness centres and voluntary sport clubs”**. European Sport Management Quarterly, 2(4), 95-115.
- Van Poppel, M., Claes, E., & Scheerder, J. (2018). **“Sport policy in Flanders (Belgium)”**. International Journal of Sport Policy and Politics, 10(2), 271-285.
- Vella, S. A., Gardner, L. A., Kemp, B., Schweickle, M. J., & Cliff, D. P. (2019). **“Sports Participation, Health Behaviours, and Body Fat during Childhood and Early Adolescence: A Multiple Mediation”**. Journal of Science and Medicine in Sport, 22(12): 1324-1329.
- Vos, S., Breesch, D., Késenne, S., Hoecke, J. V., Vanreusel, B., & Scheerder, J. (2011). **“Governmental subsidies and coercive pressures. Evidence from sport clubs and their resource dependencies”**. European Journal for Sport and Society, 8(4), 257-280.
- Wicker, P., & Breuer, C. (2015). **“How the economic and financial situation of the community affects sport clubs’ resources: Evidence from multi-level models”**. International Journal of Financial Studies, 3(1), 31-48.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی